



یک شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۸۸

حدیث روز

امام کاظم (ع): خداوند در زمین بندگانی دارد که برای برآوردن نیازهای مردم می کوشند؛ اینان ایمنی یافتگان روز قیامتند.

الکافی

ذکر روزیک شنبه
صد مرتبه «یا ذا الجلال
والاکرام»

در محضر بزرگان

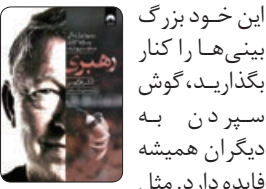
برآورده شدن آرزوی همراهی با امام

آیت ... سیستانی در باره مطالعه نهج البلاغه می فرماید: «شایسته است عموم مسلمانان از این کتاب در امور دینی خود برای آموزش و تزکیه نفس استفاده کنند و به همدان - به ویژه جوانان - توصیه می کنم که اهتمام خاصی به مطالعه و تدبر در آن داشته باشند و قسمتی از آن را حفظ نموده و به خاطر بسپارند. همچنین کسانی که ادعای محبت به امام را دارند و آرزو می کنند که ای کاش در روز گاری می زیستند تا پندهای ایشان را می شنیدند و از هدایتش بهره مند می شدند و در مسیر وی حرکت می کردند، شایسته است با استفاده از آن چه در این کتاب آمده، آرزوی خود را برآورده سازند. مولای علی (علیه السلام) در جنگ جمل فرمودند کسانی در این جنگ مرا همراهی می کنند که هنوز در صلب پدران و رحم مادران شان هستند و مقصود ایشان کسانی هستند که خداوند از راستین بودن نیت آنان مبنی بر آرزوی حضور در زمان امام (ع) واقتدا به دستورات ایشان آگاه است.»

وب سایت رسمی ایتا... سیستانی

بریده کتاب

مدرس به بدون امتحان!



این خود بزرگ بینی ها را کنار بگذارید، گوش سپردن به دیگران همیشه فایده دارد. مثل این است که در یک کلاس درس همیشگی و مجانی به مدت طول عمرت ثبت نام کرده باشی و تازه با این مزیت که هیچ وقت امتحانی در کار نیست و همیشه می توانی نکات بی فایده کلاس را دور بریزی.

«رهبری، درس هایی از زندگی و سال ها کار در منچستر یونایتد» نوشته الگن گرگوسن

غلط ننویسیم

عزم و عزیمت

در زبان عربی این دو کلمه مترادف و به معنای «نیت، قصد و آهنگ انجام دادن کاری» است. در متون قدیم پارسی نیز به همین معنی و به منزله مترادف به کار رفته است. امروزه در زبان پارسی میان معنای این دو کلمه فرق می گذارند. «عزم» را به معنای «تصمیم» و «عزیمت» را به معنای «آهنگ سفر و حرکت برای سفر» به کار می برند.

برگرفته از «غلط ننویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

اندکی صبر

ختم عشق

مسیح گرچی

ریشه با هزاران عقده گفت: ژرفای هیچ گلدانی ره به جنگل نمی برد! گیرم تنگ از آب دریا و قفس لبریز آسمان، اینت ختم عشق!

دنیا به روایت تصویر



گتی |یمیچ| برنده مسابقه فلفل خوری که در یک دقیقه ۵۰ عدد فلفل خورد

چین

فتوشعر



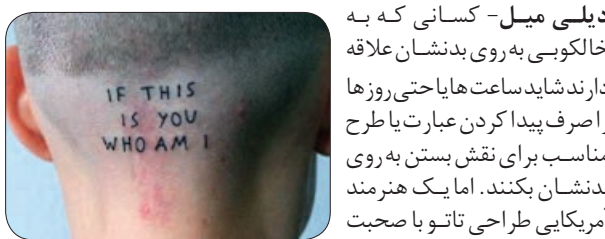
دور دنیا

کلاهداردی که خودش را شاهزاده جازد



کرد و مهمان ها که می دانستند مسلمان ها گوشت خوک نمی خورند به او مشکوک شدند و در نهایت بعد از سال ها کلاهداردی، هویتش لو رفت. او در طول این سال ها با استفاده از ظاهر جعلی خودش، چندین اکانت در سایت های مختلف بازرگانی آنلاین ایجاد کرده و توانسته بود اعتماد خیلی ها را جلب کند.

خالکوبی بر اساس شخصیت مشتری



دیلی میل - کسانی که به خالکوبی به روی بدنشان علاقه دارند شاید ساعت هایا حتی روزها را صرف پیدا کردن عبارت یا طرح مناسب برای نقش بستن به روی بدنشان بکنند. اما یک هنرمند آمریکایی طراحی تاتو با صحبت کردن پنج دقیقه ای با مشتریانش از میان پنج هزار عبارتی که در دفتر چه هایش یادداشت کرده است، آن چه را که مناسب شخصیت آن هاست انتخاب وروی بدنشان خالکوبی می کند. مشتریان او به قدری انتخابش را قبول دارند که حتی قبل از شروع کار، درباره عبارت انتخابی اش نمی پرسند.

شیوه عجیب رستوران ترکی برای جذب مشتری



دیلی میل - رستوران ترکی «موزاویک» در استانبول از یک ماده شیر کم سن که در یک قفسه شیشه ای باریک راه می رود، برای جذب مشتری استفاده کرده است. این ماده شیر در واقع در این قفس شیشه ای زندانی است و باره رفتنش مشتریان را سرگرم می کند. طرفداران حقوق حیوانات از این رستوران شکایت کرده اند چرا که صاحب این رستوران از طولی، کروکودیل و پرندگان نادر هم برای جذب مشتری سوء استفاده می کند.

سه نقطه



تلگراف| علامت گذاری کودکانی که قطر هواکسن فلج اطفال دریافت کرده اند

پاکستان

تاپخند

- فکر کنم رونالدینهو شده رئیس یک قسمتی از شرکت برق... یک سری برنامه دادن واسه ساعت های قطعی برق، بعد دقیقاً تنها تاییمی که برق نمیره همون زمانه!
- من چون حوصله ندارم انتقام بگیرم از دور به نظر می رسه بخشیدم!
- تا زگیابولت رو که از یکی می خوای، بر خور دش جوریه انگار توبه اون بدهکاری!
- تو دبیرستان تیم دادیم واسه جام بین دبیرستان ها، معلم ورزش قبل بازی ها گفت بهترین دفاع حمله است. هیچی آقا، ما همه رفته بودیم جلو، هیچ کس بر نمی گشت دفاع کنه. به جوری حذف شدیم که آبروی کل منطقه رفت.
- دبیرستان مون رو هم تخریب کردند، پاساژ ساختن!
- کاش لااقل خرطوم داشتیم تا تو گرمای تابستون باهاش آب بریزم و سرم خنک بشم!
- ماهی اگه فسفر داشت که حافظه خودش ۳ ثانیه نبود!
- به نوتیفیکیشن میگین ناتیفیکیشن؟ لاعتایا شما قاجاد با کالاسین!
- بیشترین ترس تو بچگی وقتی بهم وارد می شد که از مدرسه می اومدم خواب می برد، غروب از خواب می پریدم و فکر می کردم صبحه، باید برم مدرسه باز!
- اوایل که جدول خاموشی نداده بودن هر روز برق ۵ تا ۷ می رفت، از وقتی جدول دادن دیگه به روز صبح میره، به روز عصر میره، به وقتا هم آخر شب میره!

مسابقه چی میگه؟

آدامس افزایش قد!



ساعت ۲۴ امشب (یک شنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۲۰۳۹۱۵۲۰۳ در تلگرام بفرستین. حتما در ابتدای هر پیامک، کلمه «چی میگه؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو بنویسین. بانمک ترین و خلاقانه ترین دیالوگ های فرستاده شده، روز چهار شنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. همیشه خوش باشین. حالا چند مثال:
* خبرنگار: میشه بعد که یک دو سه گفتیم، بگین عامل بلند قد شدن تون آدامس های کارخونه ما بوده؟!
* ورزشکار: می خوام پروتو اون بسته بسکتبال بشین تا قدت به من برسه؟
* تصویربردار: بد نیست بعد از مصاحبه یه فیلم تبلیغاتی فیمل و فنجون هم بسازیم!

شعر طنز

ایام داغ آفتابی

امیر حسین خوش حال

در این ایام داغ آفتابی چه حالی می دهد شب در اتاقی شدم خسته ز شعر طنز گفتن دلم خواهد نشینم پای منقل و نوشم ظر آب هندوانه تمام حرف من رؤیاست زیر مرا اندز خانه کله ظهر و می گوید: «نیایی دست خالی عرق می ریزم و هی می دهم فحش



رویترز| جشنواره اسب های وحشی، اسپانیا

تفال

در پاش فتاده ام به زاری

خرم دل آن که همچو حافظ

دی روز نامه

سن که رسید به ۴۸...

علیرضا کاردار |طنز پرداز

انصافا گاهی باید بنشینیم (با ایستاده و حتی لم داده) به این فکر کنیم که چرا ما قدر بعضی مدیران مان را نمی دانیم؟ مدیرانی که در چشم به هم زدنی آن چنان خوب و تمیز و مرتب مشکلات را مرتفع می کنند که نمی فهمیم از کجا آمده و به کجا رفته اند، از بس مرتفع شده اند! نمونه دم دستی اش همین کمبود آب و برق، این روز ها چنان با کفایت و درایت این دو مشکل را مدیریت کرده اند که ما شهروندان همین طور بدون برق در تاریکی و دهان خشک از تشنگی، مات ماند ایم که چطوری این طوری شد!

یا نمونه دیگرش صحبت رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور که گفته: «سال گذشته سن متوسط مدیریت در کشور ۴۸ سال بود که در برنامه ششم توسعه این عدد به ۴۰ سال می رسد.» البته در این باره آقای رئیس نگفته چطور قرار است این هشت سال از سن متوسط مدیران کشور کم شود و تر فند مدیریت اش را لونداده است، ولی ما طبق تجربه های قبلی و شناختی که از سیستم حل مشکل توسط مسئولان داریم، می توانیم حدس بزنیم به یکی از این روش ها قرار است توسط سن مدیران کم شود:

اولین راه که بلافاصله به ذهن مان رسید و معمولاً در زمینه ورزشی کاربرد دارد، تهیه شناسنامه المثنی و استفاده از قانون صغر سنی است. حالا خیلی وارد جزئیاتش نمی شویم و زود می گذریم! یک روش دیگر که بیشتر در موارد اقتصادی دیده می شود، تغییر روش محاسبه سن متوسط است. به این صورت که مثلاً به جای میانگین گرفتن از سن تمامی مدیران، به صورت نقطه به نقطه و مثلاً فقط سن شان در بهار و تابستان یا فقط سن مدیران خاتمر ا اندازه می گیرند و بعد میانگین اش را حساب می کنند که طبیعتاً این طوری چند سالی هم کم می آورند و طلبکار می شوند! یک روش دیگر که همان روش مدیریت آب و برقی است، به این صورت است که به مدیران مسن می گویند دو روزی سر کار نیابند تا آمار گیری تمام شود و بعد بیایند! یا چندتا وزیر وکیل و مدیر و معاون بالاتر از متوسط سنی، بروند توی خانه شان بنشینند و فقط حقوق بگیرند تا سن شان در محاسبات لحاظ نشود!

شاید هم روش های دیگری در نظر دارند که هنوز به عقل مان رسیده است. به هر حال مطمئنیم هیچ کاری نشد ندارد!

تا حالا دقت کردین



ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام بفرستید.

* آق کمال! من با تو تومن می شوم و بی تو ناتو!
* آق کمال! من: تو ره کجا مبرن؟!
* علی جان همسر عزیزم، عاشقانه می پرستم. همسرت نفیسه
* پسری ۲۱ ساله هستم، تا دیپلم درسم را ادامه دادم. فکرم مشغول زن گرفتن است. نمی دانم چه کار کنم. لطفا کمک کنید. خانواده بپول باز نشستی پدرم رامی گیرد. ماسه نفری بیشتر نیستیم، پدر و مادرم فوت کردند، تو رو خدا کمکم کنید.
* خواستم از همسر عزیزم تشکر و قدردانی کنم برای سختی ها و زحمت هایی که در این مدت کشیده و در کنار من با تمام مشکلات زندگی ایستاده و واقعا می گویم خیلی دوست دارم. همسرت حسن دهقان
* آقا! به پیشنهاد: میگم می تونین از کسانی که تو پیامک ها تونلودو تبریک میگن و از عمر خود خواهی می کنن و به هم کادو میدن و در کل «با هم از این طریق حرف می زنن» کسب درآمد کنین! راه خوبیه ها!
ع. ف. م

عمه جون و خاله جون سارا
* درباره استفاده از کرم ضد آفتاب گفتید شانه ها و قفسه سینه فراموش نشه، آخه مگه لخت میریم تو خیابون که سر شونه رو کرم بزنیم؟
* اگر خواجه حافظ شیرازی زنده بود در وصف ستون پند نیکان می گفت: چنگ خمیده قامت می خواندت به عشرت، بشنو که پند نیکان هیچت زبان ندارد!